

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آرنولد شولتز
ویراستاری و ارسال: علی مشرف
۰۶ اپریل ۲۰۲۴

ناتو در ۴ اپریل ۷۵ ساله می شود

هدف ناتو همیشه تضمین تجاوز، رویارویی و تفرقه در اروپا بوده است!



آتش جهنمی بر فراز شهر نووی ساد (Novi Sad) صربستان. طی جنگ غیرقانونی علیه یوگسلاوی در سال ۱۹۹۹، هواپیماهای ناتو پالایشگاه این شهر را بمباران کردند. حملات بیش‌تر، ویرانی تمامی پل‌های دانوب، سیستم آبرسانی و ساختمان رادیو را در پی داشت. (عکس: دارکو دوزت)

اندکی پیش از پنجاهمین سالگرد تأسیس آن، ۱۹ کشور عضو سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو، در ۲۴ مارچ ۱۹۹۹ جنگ تجاوزکارانه‌ای را علیه جمهوری فدرال یوگسلاوی در آن زمان آغاز کردند. به مدت ۷۸ روز، هواپیماهای جنگی ناتو تأسیسات غیرنظامی و نظامی، از جمله چندین کارخانه کیمیائی را با پرتاب بمب‌های خوشه‌ئی و گلوله‌هائی از اورانیوم ضعیف شده، منهدم کردند که یک اقدام تروریستی دولتی است. ۱۵ سال بعد، صدراعظم وقت گرهارد شرودر (از حزب سوسیال دمکرات المان) به نقض قوانین بین‌المللی اعتراف کرد: «ما هواپیماهای خود را (...) به صربستان فرستادیم و همراه با ناتو آن‌ها یک کشور مستقل را بمباران کردند - بدون این‌که تصمیم شورای امنیت وجود داشته باشد.» او که «برداشتن پرهیزه‌های نظامی» را مهم‌ترین نتیجه دورهٔ صدارت خود از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ توصیف کرد، هم‌زمان اتحادیهٔ اروپائی و ناتو را مشترکاً مسوول کودتای کیف در سال ۲۰۱۴ می‌دانست. جانشین او،

اولاف شولز و وزیر امور خارجه او، آنالنا بئربوک، این موضوع را کاملاً طور دیگری می‌بینند: آن‌ها نمی‌توانند هیچ‌گونه نقض قوانین بین‌المللی را در جنگ ۱۹۹۹ تشخیص دهند.

ناتو در جنگ اوکراین

ناتو که اکنون ۳۲ عضو دارد و در حال حاضر به ۷۵ سالگی خود نزدیک می‌شود، به ارتش کیف اجازه می‌دهد تا یک جنگ نیابتی در اوکراین را آغاز کند، جنگی که با حمایت گردان‌های فاشیست از سوی ائتلاف نظامی در بهار ۲۰۱۴ به عنوان یک «عملیات ضدتروریستی» علیه قیام در دونباس روسی‌زبان آغاز شد. طبق گزارش سازمان ملل متحد، تا زمان مداخله نیروهای مسلح روسیه در اوکراین در ۲۴ فیبروری ۲۰۲۲، حدود ۱۳۰۰۰۰ نفر قربانی این جنگ شده بودند که بیشتر آن‌ها غیرنظامیان مناطقی بودند که ابتداء برای خودمختاری می‌جنگیدند. در رسانه‌های غربی نه بیش از ۲۵۰۰ قربانی بمباران ناتو در سال ۱۹۹۹ و نه قربانیان این جنگ مورد توجه قرار نگرفتند. این طولانی‌ترین جنگ در اروپای چندین سال است و سکوت در مورد آن پیش‌زمینه‌ای برای برانگیختن موجی از نفرت نژادپرستانه علیه روسیه در میان جمعیت اروپای غربی در سال ۲۰۲۲ و تضعیف مقاومت در برابر تجدید ساختار ارتجاعی-نظامی دولت یا حتی در برابر جنگ بود. این واقعیت که مذاکرات برای آتش‌بس بین روسیه و اوکراین در بهار ۲۰۲۲ منجر به توافقی شد که عمدتاً آماده امضاء بود، ابتداء در غرب تکذیب شد و به عنوان تبلیغات روسیه رد شد، اما پس از تأیید اسناد پنهان شد. غرب مانع از امضای توافق‌نامه از سوی کیف شد و در یک قدرت‌نمایی، قول داد تمام سلاح‌ها و مهمات لازم برای پیروزی را تأمین کند. این موضوع سرشت این جنگ را تغییر داد. از طرف جمهوری‌های دونباس، این جنگ از ابتداء یک جنگ تدافعی بود، از طرف روسیه این یک نقض رسمی قوانین بین‌المللی و در عین حال، اقدامی در دفاع از خود بود، زیرا خطر پذیرش اوکراین به ناتو، و همراه با آن - مانند پولند و رومانی - استقرار راکت‌ها در آنجا وجود داشت. در اوکراین آن‌ها مستقیماً موجودیت روسیه را تهدید می‌کردند. علاوه بر این، در فیبروری ۲۰۲۲، کیف بمباران مناطق مسکونی در شرق اوکراین را تا حدی تشدید کرد که از دیدگاه جمهوری‌های دونباس و مسکو غیرقابل قبول بود.

یک نقطه عطف تعیین‌کننده

جنگ ۱۹۹۹ مقدمه چندین تجاوز غیرقانونی غرب و ناتو بود که قوانین بین‌المللی را نقض کرد: افغانستان، عراق، اما همچنین مداخله غیرقانونی در سوریه، که نیروهای امریکائی تا به امروز در آنجا مستقر هستند و نقض قوانین بین‌المللی از سوی ترکیه عضو ناتو در سوریه و عراق و در نهایت نسل‌کشی شریک ناتو اسرائیل در غزه که عمدتاً از سوی ایالات متحده امریکا و جمهوری فدرال المان پوشش داده شد، تنها چند نمونه هستند. ایالات متحده به عنوان «تنها ابرقدرت» پس از پایان اتحاد جماهیر شوروی، نقش پولیس جهان را بر عهده گرفت. این امر از یک سو نقش ناتو را در ستراتیژی جهانی واشنگتن تقویت کرد، اما در عین حال اهمیت آن را برای ایالات متحده نیز مطرح ساخت. جنگ ۱۹۹۹ از نظر سیاسی دری را باز کرد که روسیه از طریق آن در سال ۲۰۲۲ وارد اوکراین شد. اقدام روسیه و اکنشی به جنگ‌های ژاندارم جهانی ایالات متحده از سال ۱۹۹۱ و گسترش ناتو به سمت شرق است که کارشناسان روس‌شناس مانند جورج اف کینان، در سال ۱۹۹۷ بشدت از آن انتقاد کردند و آن را مرگبارترین اشتباه از زمان پایان اتحاد جماهیر شوروی دانستند. علاوه بر این، در فیبروری ۲۰۰۸، اکثریت ۱۹ کشور عضو ناتو به به رسمیت شناختن استقلال کوزوو رأی دادند و بدین ترتیب یک سابقه ایجاد کردند: «جامعه ارزشی» به مرزهای جدیدی که به زور ایجاد کرده

بود، رسمیت داد. این نخستین بار در تاریخ اروپا پس از سال ۱۹۴۵ بود که مانع از آن نمی‌شود که دولت المان فدرال خود حقایق را انکار کند.

جنگ ۱۹۹۹ که ناقض قوانین بین‌المللی بود و به رسمیت شناختن نتایج آن نقطه عطفی تعیین کننده در روابط بین‌الملل و احترام به حقوق بین‌الملل بود. از آن زمان، ناتو یک پیمان جنگی است که انکار حقوق بین‌الملل را به بخشی جدائی‌ناپذیر از برنامه امپریالیستی خود تبدیل کرده است. ابداع «نظم مبتنی بر قوانین» که در آن دولت‌های ظاهراً «دمکراتیک» و «اقتدارگرا» در سرتاسر جهان در مقابل هم قرار گرفته اند، بخشی از جنگ تبلیغاتی است. از سال ۱۹۹۹ یک خط مستقیم به جنگ نیابتی امروز در اوکراین منتهی می‌شود. در همین حال، همان‌طور که هارالد کوچات، بازرس کل سابق ارتش المان در روز ۲۷ فبروری در «صدای المان» اشاره کرد، در مورد سلاح‌هایی برای کییف صحبت می‌شود که می‌تواند به مسکو برسد و در نتیجه رهبری روسیه را از بین ببرد - یعنی سلاح‌های ستراتیژیک. در عین حال، ناتو کشورهای منطقه اقیانوس آرام را با کوریای جنوبی، جاپان و استرالیا پیوند می‌زند و به دنبال رویارویی با جمهوری خلق چین در پی ایالات متحده است. جنگ علیه روسیه به جنگ کینزی در کشورهای ناتو منجر شده است که امتزاج انحصاری دولتی صنایع تسلیحاتی و دولت را تسریع کرده است، سود و قیمت سهام صنعت تسلیحات را دو برابر و سه برابر کرده و تضمین نموده است که هزینه‌های تسلیح نظامی به دوش مردم منتقل شود.

ناتو هرگز یک پیمان دفاعی نبوده است

چهره ناتو تا حد غیرقابل تشخیص تغییر کرده است. ناتو هرگز یک اتحاد دفاعی، آن‌گونه که خود را رسماً به آن عنوان معرفی می‌کند، نبوده است. به طور رسمی، این ادعا بر اساس ماده ۵ پیمان آتلانتیک شمالی استوار است. دوازده کشور مؤسس - ایالات متحده آمریکا و کانادا و همچنین کشورهای اروپائی بلجیم، بریتانیا، دنمارک، فرانسه (در آن زمان شامل مستعمره الجزایر هم می‌شد)، ایسلند، ایتالیا، لوکزامبورگ، هالند، ناروی و پرتغال فاشیست - در سال ۱۹۴۹ توافق کردند که «یک حمله مسلحانه به تعدادی از آن‌ها در اروپا یا امریکای شمالی به عنوان حمله به همه تلقی خواهد شد.» اعضای ناتو متعهد شدند که در چنین موردی به یک دیگر کمک کنند. معاهده بین-امریکائی در مورد کمک‌های متقابل نیز رسماً به عنوان یک الگو عمل کرد. این پیمان در سال ۱۹۴۷ به ابتکار واشنگتن در «ریو دو ژانیرو» برزیل منعقد و در سال ۱۹۴۸ لازم‌الاجراء شد. سازمان کشورهای امریکائی (OAS) این معاهده را با یک منطقه امنیتی از تنگه برینگ تا قطب جنوب اجراء می‌کند OAS از آن زمان خود را به عنوان ابزاری برای تضمین تسلط ایالات متحده در امریکای شمالی و جنوبی و برای اجراء دکترین مونرو در سال ۱۸۲۳ ثابت کرده است. ناتو از این الگو پیروی می‌کند: کشورهای عضو به لحاظ قدرت و سیاست نظامی کاملاً به امپراتوری، ایالات متحده آمریکا وابسته هستند. این ادعا که اروپائی‌های غربی می‌توانند از امریکای شمالی دفاع کنند، می‌تواند به عنوان یک شوخی تلقی شود. مقرر شده است که بالاترین افسر نظامی ناتو باید همیشه یک جنرال امریکائی باشد. این بدان معنی است که موضوع بر سر «صلح امریکائی» (Pax Americana)، یا کنترل نامحدود واشنگتن بر به اصطلاح متحدان خود است. کشورهای عضو بخش‌هایی از حاکمیت خود را رها می‌کنند و در ازای آن از نیروی ستراتیژیک هسته‌ای امریکا تضمین امنیتی دریافت می‌کنند. طبق آمار statista.com (جنوری ۲۰۲۳)، کشورهای عضو ناتو ۵۲۶۴ کلاهک هسته‌ای دارند (روسیه ۵۸۸۹ کلاهک، جمهوری خلق چین ۴۱۰، فرانسه ۲۹۰، بریتانیا ۲۲۵، پاکستان ۱۷۰، هند ۱۶۴، اسرائیل ۹۰، جمهوری دمکراتیک خلق کوریا ۳۰).

کشورهای وابسته به ایالات متحده آمریکا

با این حال، وجود ایالات متحده به عنوان یک پولیس جهانی، بر اساس بیش از ۱۰۰۰ پایگاه نظامی در سراسر جهان، پی‌آمدهائی برای ناتو دارد. به عنوان مثال، دونالد ترامپ را در نظر بگیرید: او بارها پیشنهاد می‌کند که اروپای غربی برای او یک ابزار چانه‌زنی است، نه بیش‌تر. این چشم‌انداز جنگ سرد است: کشورهای اروپائی و به ویژه جمهوری فدرال المان به عنوان میدان جنگ در مناقشه هسته‌ئی با اتحاد جماهیر شوروی در نظر گرفته شده بودند. «کلاوس فون دونانی»، مدیر ارشد سابق در وزارت امور خارجه در کتاب خود «منافع ملی»، قسمتی از اواخر دهه ۱۹۷۰ را توصیف می‌کند که ایالات متحده در طی یک مانور ارتش، تخریب هسته‌ئی جمهوری فدرال المان را بدون اطلاع وی به عنوان ناظر دولت المان، تمرین می‌کرد. بر اساس همین تجربه، او امروز به مسؤولان هشدار می‌دهد که نگرش واشنگتن را نادیده بگیرند.

«فون دونانی» به مسأله‌ای اشاره کرد که در مورد ناتوی امروزی حتی بیش‌تر از ۴۰ یا ۵۰ سال پیش صادق است: شرکای اروپائی ناتو با افزایش تعداد آن‌ها حتی بیش‌تر از زمان درگیری سیستماتیک با اتحاد جماهیر شوروی به سطح کشورهای وابسته به ایالات متحده نزول کرده اند. به ویژه کشورهای اروپای شرقی، که مانند ایالت‌های امریکا در خط مقدم رفتار می‌کنند. وضعیت اعضای ناتو به طور کلی اکنون بیش از هر زمان دیگری شبیه به وضعیتی است که کشورهای امریکای لاتین، به استثنای کوبا، در رابطه با ایالات متحده از دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ داشتند: حیاط خلوت کافی است از واژه کلیدی «منفجر کردن خطوط لوله گاز نورد استریم» نام ببریم. از نظر سیاست داخلی، این بدان معنی است که از تغییراتی که بر این موقعیت وابستگی تأثیر می‌گذارد با همه ابزارهای ممکن جلوگیری می‌شود - در جنگ سرد، از جمله، از سوی نیروهای تروریستی «Stay Behind» خود ناتو. در سال ۱۹۹۰، دولت فدرال به وجود آن‌ها در جمهوری فدرال المان اعتراف کرد - به عنوان مثال، آثار ناتو در حمله تروریستی جشن اکتوبر ۱۹۸۰. یا در زمانی که آلدو مورو نخست‌وزیر ایتالیا به فکر ائتلاف با کمونیست‌ها بود، در سال ۱۹۷۸ ترور شد، مشابه کودتای فاشیستی علیه سالوادور آلنده در چیلی در سال ۱۹۷۳.

نتیجه‌گیری

به طور خلاصه: تأسیس ناتو در اپریل ۱۹۴۹ اروپا و المان را تقسیم کرد. این تصادفی نبود که جمهوری فدرال المان در می ۱۹۴۹ تأسیس شد. دولت المان غربی برای تشکیل «ارتشی علیه شوروی» ایجاد شد - همان‌طور که حتی رودلف آوگشتاین، سردبیر «اشپیگل» در سال ۱۹۶۱ نوشت. اولین دبیرکل پیمان نظامی، «لرد هیستینگز لیونل اسمای»، وظایف ناتو را مؤدبانه‌تر به شرح زیر بیان کرده بود: «امریکائی‌ها را داخل، روس‌ها را بیرون نگه دارید - و المانی‌ها را بر روی زمین.» این به ویژه اجازه ندادن به همکاری عمیق‌تر روسیه-المان یا صلح با اتحاد جماهیر شوروی یا روسیه را شامل می‌شد یا می‌شود.

هیچ چیز در این وظیفه تغییر نکرده است - به عکس: با جمهوری خلق چین، یک قدرت جهانی جدید در صحنه سیاسی ظاهر شده است. برای ایالات متحده برانگیختن درگیری و جنگ در قاره اروپا به منظور باز نگه داشتن دست‌ان خود در شرق آسیا، اهمیت بیش‌تری پیدا می‌کند.

برگرفته از: عصر ما، ارگان حزب کمونیست المان

منتشر شده در تاریخ: ۲۹ مارچ ۲۰۲۴